



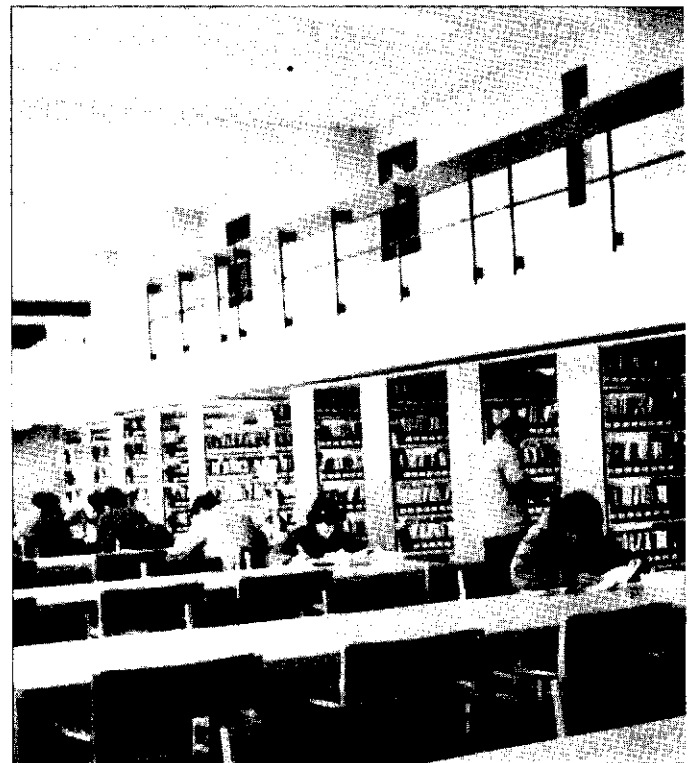
پرویز عازم

مدیر کتابخانه عمومی حسینیۀ ارشاد

ورودی دانشجوی کتابداری شده است بعد از سه نیمسال با دانشجوی نیمسال ششم یا هفتم کتابداری که کارمند کتابخانه نیست از نظر اطلاعات و کارایی برابری می‌کند. بنابراین، هرچه بیشتر مقاطع مختلف این رشته به طرف تجربه و کار عملی واقعی گرایش پیدا کند بهتر است. از طرف دیگر، غالب کارورزیهای این دوره در مواردی سطحی برگزار می‌گردد و دانشجویان در کتابخانه‌هایی که دوره کارورزی را می‌گذرانند با تعهد و مسئولیت دل به کار نمی‌دهند مخصوصاً اینکه مسئولان کتابخانه‌ها نیز وقت کافی ندارند یا برای تربیت کارورزان به قدر کافی وقت صرف نمی‌کنند.

۲. بخشی از تدریس دروس کتابداری در مقاطع مختلف که به عهده مدرسان این رشته تخصصی است به علت نبود همکاری میان دانشگاه‌ها و برنامه‌ریزی براساس نیازمندیها و نیز نا کافی بودن سرمایه گذاری برای تربیت مدرسان متخصص جوان در داخل و خارج کشور با کمبودها و کاستیهایی مواجه است. بدون شک، در حال حاضر مدرسان علاقه‌مند و دلسوز و با سواد بسیاری در این رشته فعالیت می‌کنند و الحق دانشجویان بسیار خوبی هم فارغ التحصیل شده‌اند، ولی تولید در این رشته به صورت انبوه و همه جانبه رضایت بخش نیست؛ یعنی بیشتر دانشجویان این رشته بعد از پایان دوره کتابداری توجه و دلبستگی خاصی به حرفه خود ندارند و شاید از بد حادثه این رشته را انتخاب کرده‌اند و از بد حادثه هم در کتابخانه کار می‌کنند. این کاستیها به روش تدریس مدرسان برمی‌گردد. آنچه مربوط به مدرسان است ناشی از عوامل متعددی است. اول اینکه مدرس از این راه زندگیش تأمین نمی‌شود؛ دوم اینکه ساعات تدریس وی برای تأمین حداقل نیاز بیش از آن است که باید باشد و لذا به مطالعه و تحقیق نمی‌رسد؛ سوم آنکه نیاز اقتصادی خانواده، مدرس را مجبور می‌کند شغل دیگری را یدک بکشد؛ چهارم آنکه فرصت مطالعاتی و بورس تحصیلی برای مدرسان بسیار کم و محدود است؛ پنجم اینکه مدرسان کتابداری، انجمن یا گروه‌هایی سالانه‌ای ندارند که هم با یکدیگر آشنا شوند و هم مسأله حرفه‌ای را با یکدیگر در میان بگذارند و تدابیری برای حل مشکلات بیندیشند.

۳. تا آنجا که اینجانب اطلاع دارد بیشتر دانشجویان رشته کتابداری از داشتن کتابخانه مخصوص کتابداری و اطلاع‌رسانی محروم‌اند. تنها چند کتابخانه دانشکده‌ای دارای مجموعه مواد کتابداری و اطلاع‌رسانی‌اند و احتمالاً دانشکده مستقل کتابداری که انحصاراً مجموعه‌سازی تخصصی داشته



۱. برنامه‌ها و واحدهای تدوین و تنظیم شده برای رشته کتابداری شاید به خودی خود به صورت نظری خوب باشد، ولی نتیجه و بازدهی مقاطع مختلف تحصیلی دوره‌های کتابداری است که میزان کارایی فارغ التحصیلان را محک می‌زند. بارها اتفاق افتاده است که دانشجویان رشته کتابداری برای گذراندن دوره کارآموزی در مقطع کاردانی و کارشناسی به کتابخانه مراجعه کرده‌اند. درباره حرفه کتابداری چند سؤال ساده و ابتدایی کرده‌ام و جواب درست نشنیده‌ام. این نکته قابل ذکر است که کارمند کتابخانه‌ای که با دادن آزمون

باشد نداریم. خوشبختانه امروز تأکید زیادی برای تأسیس و تشکیل کتابخانه مخصوص دانشجویان کتابداری و اطلاع رسانی به عمل می‌آید. امیدواریم پی گیری مستمر دست اندرکاران حرفه کتابداری به ثمر برسد و دانشجویان رشته های کتابداری از کتابخانه اختصاصی آبرومند و روزآمدی برخوردار شوند. به نظر این حقیر، کتابخانه اختصاصی برای دانشجویان کتابداری به منزله کتاب برای کتابفروشی و پارچه برای خیاط است.

۴. قبل از هر چیز دانشجوی کتابداری باید با کتاب و کتابخانه و فضای خوب و مناسب سر و کار داشته باشد. کتابخانه ای می‌تواند این امکانات را به وجه احسن فراهم آورد که از نظر تجهیزات و لوازم با نیازهای زمان حرکت کند. وسایل و تجهیزات کتابخانه استاندارد باشد، محلها و فضاهای کتابخانه برای مطالعه مناسب باشد، نور و گرما و برودت از شرایط خوب برخوردار باشد، و ماشین فتوکپی و زیراکس با قیمت ارزان در اختیار دانشجویان قرار گیرد. کتابخانه برای دانشجوی کتابداری کارگاه آموزشی است؛ همان طور که دانشجوی رشته شیمی بدون آزمایشگاه مجهز و خوب نمی‌تواند فارغ التحصیل خوبی در رشته شیمی باشد، دانشجوی کتابداری بدون کتابخانه مجهز و کامل نمی‌تواند کتابدار حرفه ای از آب درآید. باید بپذیریم که امروز ماشین و کامپیوتر نقش عمده ای در ارائه خدمات و فعالیتهای کتابخانه و اطلاع رسانی به عهده دارد و بدون وسواس و دلوپسی و با اعتماد به نفس باید راه کتابخانه را برای پذیرش و کاربرد کامپیوتر هموار کرد.

۵. خوشبختانه در حال حاضر مدرسان گروههای آموزشی این رشته در حد کفایت اند. اگرچه در بعضی از گروههای تخصصی کمبود احساس می‌شود - که ان شاء الله به زودی مدرسان جوان وارد صحنه خدمت و همکاری می‌شوند و جاهای خالی را پر می‌کنند - نکته حائز اهمیت اینکه همکاران و مدرسان این رشته کمتر دور هم جمع می‌شوند تا درباره خط مشی و سیاست کتاب و کتابخوانی تبادل نظر کنند و مشکلات و نواقص برنامه ها را به بحث و گفت و شنود بگذارند و راه حل های مناسب و جامع برای آنها بیابند. هر گروه از دید خود و با تدبیر خود راهی را پیدا می‌کند که غالباً به نتیجه دلخواه نمی‌رسد. اکنون وقت آن است که انجمن کتابداران ایران فعالیت خود را از سر بگیرد و همه دست اندرکاران کتابداری کشور با سعه صدر دور هم جمع شوند و پایگاه واحدی که در نهایت به سود مردم و جامعه است به وجود بیاورد و کارها را از راههای منطقی و عاقلانه و گروهی دنبال کند.

۶. سازمانهای مادری که در کنار فعالیت خود به تشکیل گروههای مختلفی از جمله گروه کتابداری دست زده اند روز به روز زیادتر می‌شود. هرچه این سازمانها به تشکیل گروههای فرعی بپردازند هدف اصلی آنها کم رنگ تر می‌شود و زیر سلطه خواسته ها و نظرات و تمایلات سازمان مادر قرار می‌گیرند. به اعتقاد اینجانب در رشته کتابداری گرایش به طرف تمرکز نتیجه بهتری را عاید جامعه خواهد کرد زیرا در تمرکز تصمیمات و تدابیر با جهت یابیهای آموزشی و پرورشی و نیازهای عملی یک کاسه می‌شود و برنامه های منسجم و کاربردی با نیازهای جامعه تنظیم و تدوین می‌گردد. به نظر می‌رسد که تشکیلات کتابداری باید طبق برنامه های تازه و نیاز به حال و آینده تنظیم و تدوین و تصویب گردد و به مورد اجرا گذاشته شود.



۷. وقتی در کلاسها به صورت دقیق از دانشجویان علت گزینش این رشته تحصیلی را سؤال می‌کنیم غالباً نسبت به این رشته توجه نشده اند و حتی تا چندین نیمیال گنج و سردرگم اند که بالاخره این رشته تحصیلی چه ارزش و اعتباری در جامعه دارد. آیا این رشته پولسازی است و بعد از فراغ از تحصیل به زودی وارد بازار کار می‌شوند و شغل پیدا می‌کنند؟ در دسرهای اشتغال چیست؟ به دنبالشان می‌آیند یا باید در به در دنبال شغل بگردند؟ بسیاری از دانشجویان تا اواخر تحصیل هنوز هم نسبت به رشته خود توجه نشده اند و حتی دانشجویانی که از دوره کاردانی به دوره کارشناسی یا از کارشناسی به دوره



مؤسسات خصوصی کار کنند و سپس در مقطع بالا تر به دانشگاه راه یابند یا در مقاطع مختلف تحصیلی دانشجویان را به گرایش برای کار در انواع کتابخانه ها تشویق یا ملزم کنیم. از طرف دیگر فارغ التحصیلان دوره های کتابداری با اینکه تخصص کتابداری دارند، برای اداره کتابخانه های علوم و تکنولوژی و علوم انسانی مخصوصاً زبان و ادبیات فارسی نقطه ضعفهایی در مجموعه سازی و سازماندهی نشان می دهند. چقدر خوب است که در رشته کارشناسی ارشد کتابداری، مسأله تسلط در زبان فارسی و علوم و تکنولوژی مطرح شود و معیارهای انتخاب دانشجویان از این دیدگاهها و صافیها بگذرد.

۸. همان طور که در جای دیگر عنوان کردم دانشجویان از تشابه های درسی در مقاطع مختلف این رشته تحصیلی نام می برند و در مواردی از عدم ارتباط دروس و ارائه منطقی و مورد نیاز واحدهای درسی گله دارند، اما دوره های آموزشی کوتاه مدت و بلند مدت با برنامه ریزی دقیق انتخاب کارآموزان همراه نیست.

اینجانب در چند دوره کوتاه مدت کارآموزی تدریس کرده ام و همیشه با درسهای متعددی مواجه بوده ام؛ از جمله:

الف. شرکت کنندگان دارای معلومات و اطلاعات بسیار متفاوتی هستند که تنظیم مواد درسی و کاربردی را با اشکالاتی مواجه می کند.

ب. در گروه سنی شرکت کنندگان هماهنگی وجود ندارد و تفاوت سنی بسیار زیاد است.

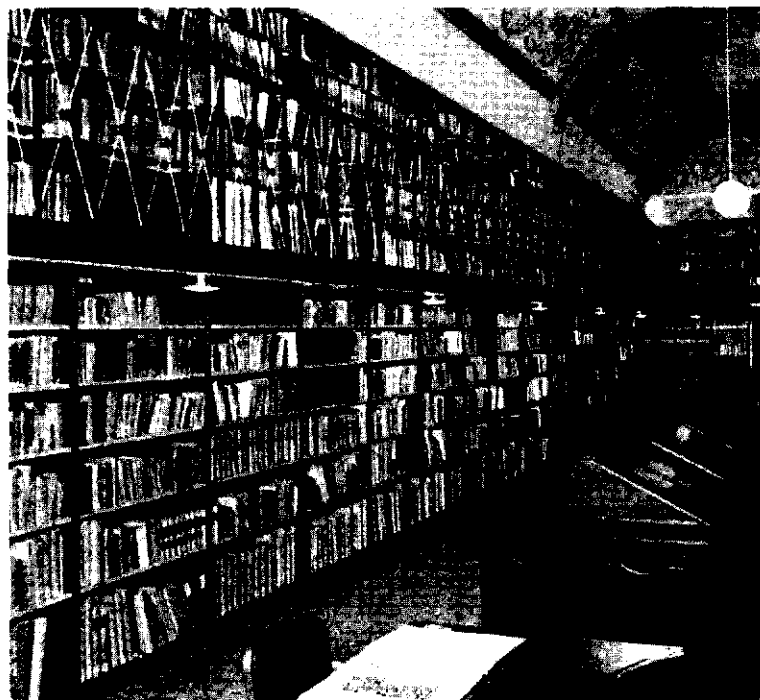
ج. رشته های تحصیلی و مقاطع آن متفاوت است.

د. گروههای شغلی و رده های سازمانی آنها پراکنده است و بعضی رسماً و عملاً در کار کتابداری نیستند.

دوره های کوتاه مدت و بلند مدت آموزشی رشته کتابداری و دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و سازمانهای مختلف، هماهنگی و برنامه ریزی واحدی ندارند و روش واحدی را بر حسب نیازهای جامعه در آموزش کتابداری دنبال نمی کنند.

۹. بارها این نکته در کلاس و جاهای دیگر عنوان شده است که چرا گروههای آموزش کتابداری با یکدیگر ارتباط برقرار نمی کنند تا با هماهنگی یکدیگر به راههای درست تر آموزشی دسترسی یابند. بدون شک ارائه نظرات و پیشنهادهای متفاوت و راینیهای گوناگون و جمع بندی آنها به راه حل های منطقی و عاقلانه و خردمندانه منجر می شود. چقدر خوب است که در هر سال تحصیلی حداقل یک بار تمام گروههای آموزش کتابداری با توجه به گرد همایی های متعددی که امروزه در زمینه های مختلف وجود دارد دور هم جمع شوند و

کارشناسی ارشد می رسند مدعی اند که مواد و مطالب تازه ای دستگیرشان نمی شود و درسهای دوره های عالی تر شباهتهای زیادی با درسهای قبلی دارد. وقتی از دانشجویان سؤال می شد که رشته کتابداری انتخاب چندم شما بوده است می گویند انتخابهای آخر و حتی در مواردی الله بختگی این رشته را انتخاب کرده اند. درحالی که داوطلبانی را سراغ داریم که چند سال پشت کنکور می مانند و آگاهانه از رشته های دیگری که قبول شده اند انصراف می دهند تا در رشته مورد دلخواهشان قبول شوند. اینجانب سراغ ندارم دانشجویی را که بگوید آن قدر کنکور می دهم تا در رشته کتابداری قبول شوم. از طرف دیگر اکثر دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی رشته کتابداری چه دوره کاردانی و چه کارشناسی و چه کارشناسی ارشد علاقه مندند در دانشگاهها و



دانشکده ها مشغول به کار شوند و این نقص آموزشی رشته کتابداری است. گناه کتابخانه های عمومی و آموزشی و حتی مؤسسات خصوصی چیست که کتابداران گرایش به کار در این گونه کتابخانه ها ندارند. به نظر می رسد باید برای این مشکل فکری کرد. مثلاً اینکه دانشجویان دوره کاردانی حداقل پنج سال در کتابخانه آموزشی و یا عمومی کار کنند و حق راه پیدا کردن به مقطع بالا تر موقوف به تجربه کار در کتابخانه آموزشی باشد؛ یا دانشجویان دوره کارشناسی تا سه سال در کتابخانه آموزشی و عمومی و

هماهنگیهای لازم را به سود جامعه آموزشی کتابداری به عمل آورند. این نکته قابل ذکر است که چرا در دانشگاه در یک نیمسال تحصیلی استادان گروه کتابداری فرصت یک بار دور هم جمع شدن را نمی یابند تا درباره مواد درسی و مشکلات دانشجویان و محتوای آموزشی مواد درسی تبادل نظر کنند.

۱۰. کمتر مشاهده شده است که استادان گروههای مختلف آموزشی همجوار و حتی مرتبط در طول یک دوره تحصیلی دور هم جمع شوند و نیازهای درون گروهی خود را با کتابداران در میان بگذارند. بارها اتفاق افتاده است که استادان گروههای آموزشی تخصصی به کتابداران اعتنای درخور و شایسته ای نمی کنند. اینجانب شاهد یک مورد بی اعتنائی بوده ام؛ از جمله اینکه وقتی از استاد رشته تخصصی تقاضای استرداد کتابهای امانتی به کتابخانه را کردم با این جمله مواجه شدم که به رئیس دانشگاه گفتند این «کتابچی» دست از سر من برنمی دارد. یعنی کتابدار را حتی به حرفه اش نمی خواهد و نمی شناسد.

۱۱. همان طور که در تولید کالا همیشه صرفه با تولید خوب و انبوه است و تولیدی در بازار سودآور است که استاندارد باشد و انبوه، این موضوع در مورد کتابداران نیز صدق می کند. یعنی کتابداران باید همگی خوب آموخته باشند و همگی از تخصص واقعی برخوردار شوند تا هم زود جذب بازار کار شوند و هم نیاز جامعه را برطرف نمایند. در آموزش کتابداری ما نقضهایی وجود دارد، از جمله اینکه برداشت و طرز تلقی اکثر سازمانها و نهادها این است که کتابداری خوب است که فهرست نویسی و رده بندی را خوب بدانند، درحالی که تنها یکی از مواد درسی کتابداری فهرست نویسی و رده بندی است. البته فهرست نویسی و رده بندی معیار است، ولی نباید اولویت نخست را داشته باشد. درست است که هر کتابخانه باید روشی داشته باشد و روش هم با سازماندهی مواد شروع می شود، ولی وظایف و خدمات و مسؤولیتهای کتابخانه تنها سازماندهی نیست. در آموخته های مقاطع مختلف کتابداری باید گرایشها را مد نظر داشت. یک کتابدار خوب باید سیاستگذاری و خط مشی و اداره کتابخانه را به خوبی بیاموزد و از عهده تمام وظایف کتابخانه برآید و در همه فعالیت های کتابخانه ای مهارت داشته باشد.

۱۲. پیشنهاد های اینجانب غالباً در متن پاسخها آمده است ولی جمع بندی نظرات به اختصار چنین است:

الف. در رشته کتابداری جامعیت آموزشی رعایت شود و به مدیریت و اداره کتابخانه توجه بیشتری مبذول گردد.

ب. به درس زبان و ادبیات فارسی در کتابداری بها داده شود و استادان مجرب و کارآموده به تدریس دعوت شوند.

فارغ التحصیلان مقاطع مختلف کتابداری نیازمیرم دارند که به زبان و ادبیات فارسی تسلط داشته باشند، ما غالباً در فقر زبان و ادبیات فارسی گرفتاریم.

ج. به زبان خارجی مخصوصاً انگلیسی بیشتر توجه شود، زیرا اغلب کتابهای کتابداری به زبان انگلیسی است. دانشجویان باید بتوانند مستقیماً به منابع تازه کتابداری دسترسی پیدا کنند و این میسر نمی شود مگر به زبان خارجی مسلط باشند، واحدهای آموزشی زبان بیشتر باشد و استادان مجرب و آموخته به تدریس دعوت شوند.

د. از تعداد دانشجویان در یک کلاس کتابداری کاسته شود. درس کتابداری غالباً باید به صورت کارگاهی و آزمایشگاهی ارائه شود و این نوع تدریس با تعداد زیاد دانشجویان در یک کلاس مطابقت ندارد.

ه. بورسهای تخصصی برای استادان جوان فراهم گردد تا تازه های کتابداری وارد آموزش کتابداری شود.

و. به نظرات و پیشنهاد های کتابداران جوان بها داده شود. سخنان آنها را بشنویم و بگذاریم در پیدا کردن راههای درست مشارکت داشته باشند.

ز. آموزش کتابداری به طریقی تنظیم و برنامه ریزی شود که در نهایت برای انواع کتابخانه ها از جمله کتابخانه های کودکان و نوجوانان، کتابخانه های آموزشگاهی، کتابخانه های عمومی و تخصصی و دیگر نهادها و سازمانهای اداری و بخشهای خصوصی کتابدار و ورزیده تربیت شود.

ح. به اعتبارات بخش آموزش کتابداری و فعالیتهای فرهنگی و عمومی و اجتماعی و روابط عمومی آن اضافه گردد تا این رشته تحصیلی در جامعه بیشتر جا بیفتد و جوانان با ذوق و استعداد به تحصیل رشته کتابداری رغبت نشان دهند و با علاقه و درک بهتر جذب این رشته شوند.

ط. به رتبه و گروه شغلی کتابدار به صورت رسمی در شورای عالی انقلاب فرهنگی اهمیت بیشتری داده شود، مخصوصاً در جذب و نگاهداری کتابداران مرد و حتی پیشنهاد می شود که فارغ التحصیلان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد این رشته به عنوان مهندسی یا عنوان مشابه دیگری شناخته شوند. چگونه است که بسیاری از رشته های کارشناسی مهندس شناخته می شوند در صورتی که با ساختمان و تدارکات و تجهیزات و ماشین و کارگاه سرو کار دارند، ولی کتابداران که برای تعالی فکر و اندیشه جامعه زحمت می کنند، و در حقیقت در کارخانه آدم سازی کار می کنند و معماران اصلی رشد فرهنگی و علمی و اجتماعی اند از این امتیاز محرومند؟

